

تعداد کمی بودند که از بخش خصوصی گفتند

محمود اسلامیان رییس سابق صندوق بازنشستگی کل کشور در دوره قبلی فعالیت اتاق بازرگانی ایران یکی از اعضای هیات رییس بود و پیش از آن هم ریاست اتاق اصفهان را نیز تجربه کرده است.



اسلامیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فعالیت در نهادهای سیاسی و نظامی سرانجام با آمدن اسحاق جهانگیری به وزارت معادن و فلزات به این نهاد اقتصادی وارد شد. وی سال‌های طولانی مدیریت ذوب آهن و فولاد مبارکه - که از بزرگترین شرکت‌های دولتی به حساب می‌آیند - را برعهده داشته است و از جمله سیاست‌گذاران صنعتی به حساب می‌آید.

اسلامیان که در زمان رژیم گذشته در ردیف انقلابیون حرفه‌های ZWNJ و ای به شمار می‌آید با این تجربه صنعتی-اقتصادی هم در دولت و هم در بخش خصوصی به ریز و درشت چگونگی دولتی ماندن اقتصاد آشنایی دارد.

این گفت‌وگو با هدف آشکارسازی بخش‌های ZWNJ و هایی از اقتصاد ایران انجام شده است.

شما در سال‌های مبارزه جزء نیروهای مبارزی بودید که به صورت تشکیلاتی علیه رژیم پهلوی فعالیت می‌کردید. دهه 1350 چنان که می‌دانید، دوره‌ای است که روشنفکران از مبارزه مسالمت‌آمیز و توسعه سیاسی فاصله گرفته‌اند و جنبش‌های چریکی در حال شکل‌گیری است. بارزترین این جنبش‌ها، مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی هستند. از منظر اندیشگی بر ذهن این گروه‌های رادیکال چه طرح و برنامه‌ای از حیث اقتصادی و سیاسی حاکم بود؟ آیا این مبارزات صرفاً جنبه سلبی و نفی رژیم سابق را داشتند یا طرح و برنامه‌ای هم داشتند؟ زیرا اگر برنامه‌ای بود، خود را در ساماندهی نظام جدید نشانگر می‌ساخت.

من در سال‌های پایانی دبیرستان، به واسطه خانواده در فضای سیاسی کشور حضور داشتم و گرایش ضدشاه داشتم. اما از ابتدای سال 1354 که وارد دانشگاه شدم، اوج درگیری‌های شاه با گروه‌های چریکی بود. این گروه‌ها دو دسته عمده بودند، نخست گروه‌های مذهبی که عمدتاً مجاهدین خلق بودند و دوم گروه‌های مارکسیست که چریک‌های فدایی خلق بودند. تا پیش از شهادت مجید شریف واقفی تعامل خوبی میان چپ‌ها و مذهبی‌ها بود. اما بعد از ماجرای تقی شهرام و تغییر ایدئولوژی سازمان، بهم ریختگی عجیبی به وجود آمد. ما در آن موقع در مجموعه‌ای بودیم که سرشاخه‌هایش برادران مهدی و محمد شاه‌زادگی بودند. پدر اینها روحانی بود و از خانواده‌های مذهبی اصفهان بودند. البته ما به دقت کل ساختار را نمی‌شناختیم، زیرا فضا به شدت امنیتی و خفقان بود. شرایط بسیار دشوار بود. ما بعد از انشعاب به سمت گروه‌های مذهبی گرایش پیدا کردیم. در واقع بعد از انقلاب که متوجه شدیم، زیرشاخه‌های اصفهان سی نفر بوده‌اند که پیش از انقلاب حدود هفت یا هشت نفر شهید شدند. خلاصه ما مذهبی ماندیم و گروهی به نام مهدویون را پایه‌گذاری کردند. بعد از شهادت مجید شریف واقفی اندک ارتباطات با سازمان هم قطع شد و ما روال عادی خودمان را داشتیم. برادران شاه‌زادگی یکی در تهران و دیگری در اصفهان هم شهید شد و رهبری گروه به ابراهیم جعفریان رسید. ایشان هم به اتفاق همسر، خواهر و دامادش آقای واعظی در درگیری در تبریز شهید شدند. با شروع انقلاب فشار ساواک از این گروه‌ها برداشته شد. اما آنچه تا پیش از انقلاب عمده ذهن ما را اشغال کرده بود، مبارزه با شاه به عنوان یک حکومت ظالم و وابسته به آمریکا بود که ایران را غارت می‌کرد. بحث‌های امنیتی نیز ذهن ما را اشغال کرده بود، متاثر از اندیشه‌های چپ‌گرایانه بودند. مثلاً در جزوه شناختی که گروه مهدویون منتشر کرده بود، چندین اصل مارکسیستی به عنوان اصل پایه معرفی شده بود و ما آنها را به عنوان اصول مذهبی می‌پذیرفتم. تازه این در مورد گروهی مثل مهدویون است که مذهبی‌ترین گروه بود. از نظر تفکر اقتصادی نیز عمده مبارزان پیش از انقلاب به شدت ضد سرمایه‌داری بود و اندیشه سوسیالیستی حاکم بود و مطلقاً اقتصاد آزاد را کسی قبول نداشت و سرمایه‌دار را سمبل از رژیم شاه می‌دانست. این جزء اصول مذهبی پیش از انقلاب بود که ناشی از تأثیر گروه‌های چپ بود. زیرا ما در مباحث اقتصادی جز کتاب اقتصادنای مرحوم صدر، کتاب دیگری نداشتیم. هنوز هم به نظرم کار مهم و منسجمی در زمینه اقتصادی نداریم و متفکران اسلامی چارچوب قدرتمندی از اقتصاد اسلامی ارائه نکرده‌اند. البته پیش از انقلاب تکلیف همه روشن بود، کسانی هم که مذهبی بودند تفکر سوسیالیستی را به عنوان اندیشه اصیل اسلامی می‌پذیرفتند و حتی اکراه داشتند که از بازاری‌ها کمک بگیرند یعنی حاضر بودند برای تأمین منابع از بانک سرقت کنند، اما از یک بازاری متدین پول نگیرند. کادرهای انقلابی هم که یا مبارزه می‌کردند یا در زندان بودند، فرصت مطالعه عمیق نداشتند. ضمن این که موج ضد امپریالیسم و ضد سرمایه‌داری شکل گرفته بود که به نظرم ریشه در نهضت ملی و ضربه سال 1332 داشت. دخالت و اشتباه آمریکاییان باعث شد که هنوز هم ملت ایران ایشان را نبخشد. به نظرم این اشتباه ناشی از حيله‌گری چریک‌ها بود که توانست آمریکاییان را متقاعد کند که به دلیل خطر کمونیسم، در ایران به کودتای نظامی دست بزنند. در هر صورت مبارزان انقلابی نگرشی مثبت به روسیه داشتند، چون چنین اندیشیده‌های ZWNJ شد که ما هم مثل روس‌ها با امپریالیسم در حال جنگ هستیم. مطلقاً نیروهای مبارز مذهبی رادیکال الگوی مشخصی برای اداره سیاست و اقتصاد کشور نداشتند، به جز همین ذهنیات پراکنده‌های که عمدتاً متأثر از تفکر چپ در ایران بود. حتی در سال 1354 که مذهبی‌ها از رادیکال‌ها جدا شدند، برخوردها چندان بد نبود.

اگر قرار باشد از مجموعه معارف دینی منظومه معرفتی تحت عنوان اقتصاد سیاسی استنباط شود، به احتمال قریب به یقین این اقتصاد سیاسی با توجه به تأکیدهایی که نصوص دینی بر اصولی چون احترام به مالکیت و ارزش کار می‌گذارند، بیشتر با اقتصاد بازار آزاد همراه است. گروه‌های رادیکال مذهبی با گرایش چپی که شما می‌گویید، با این تناقض چگونه کنار می‌آیند؟ ضمن آن که در گزارش‌های تاریخی می‌خوانیم که گروه‌های چریکی برای تأمین منابع مالی از کمک بازاریان مذهبی به ویژه نیروهای جوان‌تر بازاری بهره می‌گرفتند.

برای تحلیل دوران انقلاب و نقش نیروهای مذهبی باید دو دوره را از یکدیگر متمایز کرد. نخست سال‌های خفقان پیش از 1356 و 1357 که در آن زمان تعداد محدودی بازاری به گروه‌های چریکی مثل سازمان مجاهدین کمک می‌کردند، این تعداد انگشت‌شمارند، مثل مرحوم عراقی. گروه ما که اصلاً از بازاری‌ها کمک

نی‌&ZWNJگرفت. اما وقتی انقلاب راه افتاد این ارتباط گسترده تر شد. ضمن اینکه در دوران خفقان منابعی هم نیاز نبود و هزینه چندان هم لازم نبود. اما با شروع انقلاب معادلات دگرگون شد. تحلیل من مربوط به پیش از سال 1356 است. اما در نگاه ما سرمایه‌&ZWNJداری بسیار امر منفوری بود. یعنی دقیقاً تفکر مارکسیست‌&ZWNJها نسبت به گروه‌&ZWNJهای رادیکال مذهبی نیز داشتند. این امر البته ریشه تاریخی داشت و تا حدی به دلیل تسلط تفکر چپ بر اذهان روشنفکران بود. ضمن این که گسستی میان مراجع و نیروهای رادیکال و جوان وجود داشت. البته شرایط خفقان و هیجانی زمان را نیز باید در نظر گرفت. البته ایرادی نیز به علما و روشنفکران مذهبی وارد بود که تدوین عالمانه و روشنی از اقتصاد سیاسی اسلامی ارائه نمی‌&ZWNJکردند. متأسفانه هنوز هم بعد از چهار دهه از انقلاب اسلامی در جامعه اسلامی‌&ZWNJمان، مسیر این اقتصاد سیاسی روشن نیست. البته چیزهایی در قانون اساسی گفته شده است، اما به روشنی مشخص نشده است.

بعد از پیروزی انقلاب بخش مذهبی نیروهای مبارز چریکی به دولت می‌&ZWNJآیند. بخش چپ نیز دو گروه می‌&ZWNJشوند، حزب توده و طرفدارانش، طرفداران حکومت می‌&ZWNJشوند و چریک‌&ZWNJهای فدایی خلق و مجاهدین خلق هم به سمت مخالفت می‌&ZWNJروند و حتی تا براندازی هم پیش می‌&ZWNJروند. یک جریان دیگری هم از غرب می‌&ZWNJآید به اسم آقای بنی صدر. همه این دیدگاه‌&ZWNJها با خاستگاه‌&ZWNJهای مختلف می‌&ZWNJگویند که دولت نجات بخش است. در قانون اساسی هم که می‌&ZWNJنگریم، در می‌&ZWNJیابیم که فقهای بزرگ مجلس خبرگان اصولی را در قانون اساسی تعبیه می‌&ZWNJکنند که راه را برای دولتی کردن اقتصاد هموار می‌&ZWNJکنند، مثل اصل 29 که می‌&ZWNJگوید دولت موظف است مسکن، آموزش و بهداشت رایگان و اشتغال ایجاد کند. یعنی تکالیف بزرگی بر دوش دولت می‌&ZWNJگذارد یا اصل 44 که فعالیت‌&ZWNJهای عمده اقتصادی را به عهده دولت می‌&ZWNJگذارد و مانع از فعالیت‌&ZWNJهای بخش خصوصی می‌&ZWNJشود یا اصل 81 که ورود سرمایه‌&ZWNJگذاری خارجی را به ایران تقریباً ممنوع می‌&ZWNJکند. در مشروع مذاکرات قانون اساسی آمده که در تصویب یکی از قوانین، آن چه صبح خوانده می‌&ZWNJشود با آن چه عصر تصویب می‌&ZWNJشود، آقای منتظری متوجه می‌&ZWNJشود که مغایرتی میان این دو وجود دارد. شهید بهشتی که بر زود انجام شدن امور داشت، اصرار دارند که این همان است. بعدها مشخص می‌&ZWNJشود که آقای بیت اوشانا عضو مجلس خبرگان و از اعضای اصلی حزب توده و نماینده کلیمپها در کمیسیون اصول اقتصادی حضور داشته است و گفته می‌&ZWNJشود که اصل 44 را ایشان نوشته است. وقتی به مذاکرات مجلس خبرگان نگاه می‌&ZWNJکنیم، می‌&ZWNJبینیم که چهره‌&ZWNJای چون آقای حجتی کرمانی معتقد است که همان میزان کم هم به بخش خصوصی اختصاص نیابد. آقای موسوی تبریزی که بعداً دادستان شد، می‌&ZWNJگوید مالکیت محترم است. در هر صورت اصل 44 تصویب می‌&ZWNJشود این اصل می‌&ZWNJگوید سرمایه‌&ZWNJگذاری خارجی در بخش عمومی ممنوع است، اما آن چه قانون می‌&ZWNJشود، بخش عمومی حذف می‌&ZWNJشود. شایع است که تاپیستی که این قانون را تاپی می‌&ZWNJکرده، خودش به این مسائل حقوقی وارد بوده است. در هر صورت این دو مورد نشان می‌&ZWNJدهد که قانون اساسی در فضایی تصویب شد که چپ‌&ZWNJگرایی و افراد چپ نقش موثری داشتند.

فضایی که شما از آن صحبت می‌&ZWNJکنید، نه فقط در کلیت جامعه که در مبارزین و حتی در روحانیت تأثیرگذار بود. کسانی که کاملاً درگیر بودند، تأثیر بیشتری گرفتند، اما کلیت جامعه و توده‌&ZWNJهای مردم و روحانیت هم متأثر از این فشار افکار عمومی بودند. در سال‌&ZWNJهای 1358 و 1359 به ندرت کسانی پیدا می‌&ZWNJشدند که جرأت کنند از احترام به مالکیت و بخش خصوصی حرف بزنند. حتی نهضت آزادی بود که لیست پنجاه و سه نفر را داد. مصادره‌&ZWNJها در همین حال و هوا صورت گرفت. گاهی اموال بازاریان متدین و انقلابی مثل آقای طرخانی نیز مصادره می‌&ZWNJشد. یعنی نهضت آزادی هم که بارزترین گروه سیاسی آن زمان بود، بانک‌&ZWNJها را ملی کرد و بسیاری از پروژه‌&ZWNJهای بزرگی را که قراردادش با شرکت‌&ZWNJهای خارجی بود را تعطیل کردند.

داستان آن 53 نفر نیز جالب است. کتابی دیدم که روی جلد آن نوشته بود، پنجاه و یک نفر و دو نفر را نیز با دستخط نوشته بود. آنچه در شورای انقلاب بوده، پنجاه و یک نفر بوده است. در روزنامه رسمی کشور نیز پنجاه و یک نفر است. اما اسامی پنجاه و سه نفر آمده و اموالشان مصادره شده است. شما در اصفهان حضور داشتید. گویا اصفهانی‌&ZWNJها خیلی زودتر به مضرات این ملی شدن پی بردند. جزوه‌&ZWNJای را آقای معزالدین نوشته‌&ZWNJاند که در آن همین تفکر روشن است. ارزیابی شما از این امر چیست؟ ضمن این که شما از فعالان اصفهان بوده‌&ZWNJاید.

در اصفهان به جز مرحوم همدانیان که پیش از انقلاب شاه اموالش را مصادره کرد، سرمایه‌&ZWNJگذار خصوصی بزرگی نداشتیم و عمده واحدهای اصفهان مثل ذوب‌&ZWNJآهن و پالایشگاه دولتی بودند. البته من سال‌&ZWNJهای اول انقلاب را تهران بوم اما نکته مهم این بود که نیروهای انقلابی درک چندان روشنی از سرمایه‌&ZWNJداری نداشتند. عمده مسأله حفظ نظام بود. با ارکان امپریالیسم هم باید برخورد می‌&ZWNJشد. بنابراین وقتی انقلاب پیروز شد، برخی برخوردهای تندرانه مثل اقدامات مرحوم خلخالی صورت گرفت. البته منش کسانی چون امام یا آقای هاشمی یا مقام معظم رهبری چنین تند و افراطی نبود. مخصوصاً آقای هاشمی که کار آزاد هم می‌&ZWNJکردند، درک روشنی از بخش خصوصی داشتند. یا رهبر انقلاب در حوزه ریاست جمهوری از تندروی‌&ZWNJها جلوگیری می‌&ZWNJکرد. امتیاز دیگری که اصفهان داشت، این بود که پیش از وقوع انقلاب به دلیل قدرت بالای روحانیتش، به انقلاب پیوسته بود. حتی یک هفته پیش از بیست و دوم بهمن فرماندهان پادگان‌&ZWNJها نزد روحانیت اصفهان آمدند و اصفهان از معدود شهرهای کشور است که روز 22 بهمن اتفاق ناگواری در آن نیافتاد و درگیری شهرهای بزرگ مثل سنج در آن رخ نداد.

با عبور از مقطع انقلاب و ادامه آن جنگ تحمیلی به سال‌&ZWNJهای پس از 1368 می‌&ZWNJرسیم که جنگ تمام شده است و سازندگی قرار است صورت بگیرد. یکی از گروه‌&ZWNJهای اجتماعی که در دولتی کردن و دولتی ماندن اقتصاد نقش موثر دارد، دیوان‌&ZWNJسالاران یا بوروکرات‌&ZWNJها هستند. تا چه حد با این نگرش موافقت می‌&ZWNJکنید؟

هرجا منافی باشد، این مسائل پیش می‌&ZWNJآید. البته بسیاری از دیوان‌&ZWNJسالاران هم بودند که مخالفت دولتی شدن بودند. زیرا در ساختار دولتی دو چیز به بند کشیده می‌&ZWNJشود: نخست منابع کشور و دوم مدیران لایق کشور. ما مدیران دولتی داشتیم که دیده‌&ZWNJایم وقتی به بخش خصوصی آمده‌&ZWNJاند، بسیار موفق‌&ZWNJتر عمل کرده‌&ZWNJاند. بعد از سه دهه گذر از انقلاب، شاهد دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌&ZWNJنژاد بودیم. در این دوره شاهد بودیم که نزدیک هفتصد میلیارد دلار پول نفت درآمد داشته‌&ZWNJایم، صد هزار میلیارد تومان اصل 44 به فروش رفته است و گفته می‌&ZWNJشود که صد هزار میلیارد تومان هم اوراق قرضه به فروش رفته است. یعنی حدود هشتصد میلیارد دلار درآمد داشته‌&ZWNJایم که در تاریخ ایران نه سابقه داشته و نه به نظرم تکرارپذیر است. خروجی این پول چیست؟ تورم وحشتناک، رکود و رشد منفی

اقتصادی و بیکاری که ناهنجاری و ZWNJ&های فرهنگی و اجتماعی است. این نشانگر آن است که این سیستم مشکل اساسی دارد. ممکن است که مدیر موفقی حضور یابد و کارها به طور موقتی سامان یابد، اما هر زمان ممکن است که مدیری ناموفق بر سرکار آید و هر چه کشته شده بر باد دهد. تجربه دنیا هم همین را می&ZWNJ&گوید. بنابراین مقاومت و ZWNJ&هایی که شما از آن یاد می&ZWNJ&کنید، طبیعی است، اما در همان مدیرانی که می&ZWNJ&گویید، اگر به واقع بوروکرات باشند و بر اساس سلسله مراتب پیشرفت کرده باشند، شاهدیم که اکثر به این نتیجه رسیده&ZWNJ&اند که این سیستم جواب نمی&ZWNJ&دهد. اما ما نیاز به اجماعی میان نخبگان اقتصادی، نخبگان سیاسی و روحانیت داریم. برای برون رفت از این مشکلات به واکاوی این سی و چند سال و اجماعی برای راه حل داریم. من معتقدم که باید راهی بینابینی میان خصوصی&ZWNJ&سازی و اقتصاد دولتی اتخاذ شود. مثلاً گفته شود که 85 درصد سهام جایی مثل مبارکه را به بورس ببریم، صندوق&ZWNJ&های بازنشستگی و شبه دولتی&ZWNJ&ها هم از مدیریت حذف شوند و به سهام بیایند. کاری که در همه شرکت&ZWNJ&های مشابه در دنیا صورت می&ZWNJ&گیرد. با چالش&ZWNJ&های اقتصادی پیش رو و تحریم&ZWNJ&ها به نظرم تنها نیروی محرکه&ZWNJ&ای که می&ZWNJ&تواند اقتصاد ایران را نجات دهد، مردم هستند. بنابراین باید اعتماد ایجاد کرد تا مردم پولشان را وارد کار کنند و مدیریت را نیز به شخص یا اشخاصی داد که برای یک صرفه&ZWNJ&جویی کوچک و ناچیز، ضرر بالایی به اقتصاد کشور نزند. ما در اقتصادمان تحت تأثیر مارکسیست&ZWNJ&ها بودیم، روس&ZWNJ&ها و چینی&ZWNJ&ها و اروپای شرقی هر یک به نحوی از این معضل رهایی یافتند، ما نیز باید راه&ZWNJ&حل خودمان را بیابیم.

منبع: نشریه اتاق بازرگانی ایران